

نفوذ سیاسی انگلیس

در

دربار قاجار

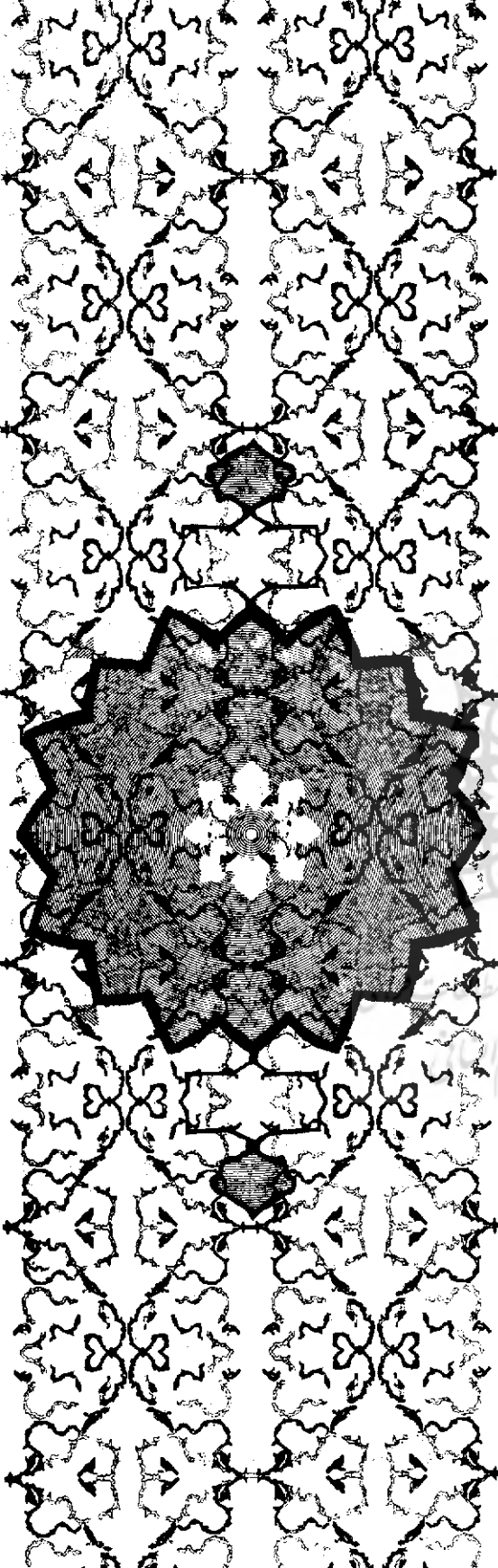
و

رقابت با سیاست فرانسه در ایران

از

مونیکا روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۲۵۴۲

از طرف اداره ساسی ایروان بدست دانش به کتابخانه مردمی فضا قلم

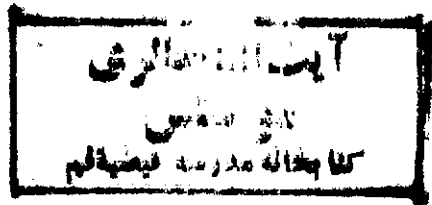
ایران و وقف گردید تاریخ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۰۱ قمری برابر؛

۱۲، ۱۱، ۱۳۵۹ شمسی، الاصح حبیبی العزیز محمدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

از: مونیکا روشن ضمیر
(دکتر در خاورشناسی)



نفوذ سیاسی انگلیس

در دربار قاجار

و رقابت با سیاست فرانسه در ایران

در سال ۱۷۹۹ میلادی شرکت هند شرقی انگلیس بمنظور پیشبرد سیاست امپریالیستی خود، باشتاب و اصرار هرچه تمامتر درصدد ایجاد رابطه نزدیک با دربار قاجار برآمده و بطوریکه منابع و ماخذ مربوط ذکر آنرا بطور جامع نوشته‌اند، مهدی‌علی‌خان و سرجان ملکم را به ایران فرستاد تا پایه سیاست استعماری خود را استوار نماید. مدتی بعد بسبب تغییر روشهای سیاسی در اروپا، دولت انگلیس و شرکت هند شرقی انگلیس بیم و هراس از حمله دودولت فرانسه و روسیه، از راه ایران به هندوستان را، منتفی دانسته و دیگر چنانچه باید و شاید به وضع ایران و سیاست آن اعتنائی نداشتند.

از طرفی هم فتحعلیشاه با زمان شاه فرمانروای افغانستان وارد جنگ شده و بالطبع مانع حمله‌های پی‌درپی وی به هندوستان شده و تیپو سلطان، دشمن سرسخت و قوی پنجه شرکت هند شرقی هم

به هنگام جنگ در سرینگا پاتام Seringapatam کشته شده و پل تزار روسیه هم که با ناپلئون نقشه حمله به هندوستان را طرح نموده بود نیز بقتل رسیده و خیال دولت انگلیس از همه سو آسوده گردیده بود. به دلایل فوق انگلیسها که چندی پیش با آن همه خرج و کوشش در فکر توسعه نفوذ خویش در دربار ایران بودند به یکباره رابطه خود را تقریباً قطع کرده و دیگر وحشتی از آن نداشتند که دولت ایران با فرانسویها برضد سیاست انگلیس اقدامی بعمل آورند.

جالب آنست که درست در همین زمان یکی از سیاستمداران انگلیس بنام لرد کاسلرای Castlereagh درباره سیاست انگلیس در خاور زمین چنین اظهار عقیده کرده است :

« نواحی و مواقع راه هندوستان متعلق بما خواهد بود و باید باشد »^۱

در حال آنطور که بنظر میرسد در این زمان رابطه شرکت هند شرقی انگلیس با ایران بیشتر مربوط به مسائل بازرگانی بود و میتوان چنین پنداشت که انگلیسها روابط دیپلوماسی خود را ، برخلاف اصول سیاسی آنزمان ، تنها بسبب هزینه های گزاف و انگیزه های بازرگانی قطع کرده بودند .

موضوع جالب آنست که فتحعلیشاه ، برخلاف آنچه که مشهور است ، به تغییرات و تحولات سیاسی روز کاملاً توجه داشت چون وی بلافاصله پس از پیشنهادی که از سوی انگلیسها شد ، سفیری به بمبئی فرستاد. این سفیر محمدنبی خان نام داشت که پس از کشته شدن سفیر قبلی ایران در هند (سال ۱۸۰۳ م) برگزیده شده بود و در

1— Salomon, Felix: Die Grundzüge der auswärtigen Politik Englands von 16. Jahrhundert bis zur Gegenwart, Berlin 1910, S. 38ff.

همین زمان شرکت هند شرقی چندان پروابط سیاسی نزدیک با ایران، مانند سال ۱۸۰۰، اهمیتی نمیداد. و هیچ عجله‌ای هم در اینکار نداشت و بهمین سبب هم اعزام محمدنبی خان در زمانی خیلی دیرتر انجام گرفت. بالاخره فتحعلیشاه سفیر مزبور را بعد از ورود اولین سفیر فرانسه یعنی رومیو به هند فرستاد.

محمدنبی خان در ۲۸ نوامبر ۱۸۰۵ به بمبئی رسید.^۲ ماموریت او این بود که حکمران کل را ترغیب نماید تا یک ماده الحاقی به قراردادى که ملکم در سال ۱۸۰۰ منعقد کرده بود، اضافه کند. این ماده الحاقی مبنی بر آن بود که انگلستان تعهد نماید که هرگاه ایران مورد حمله روسها قرار بگیرد، با پرداخت پول و ارسال قوا، از آن جلوگیری کرده و بکمک ایران بشتابد. ولی چون روسها در این زمان با انگلستان متحد شده و افغانها نیز گرفتار جنگهای داخلی بودند و تهدیدی برای هند محسوب نمیشدند، حکمران کل تقاضای سفیر ایران را نپذیرفت و بهمین سبب شاه مجبور شد با فرانسه قراردادى منعقد نمایند.^۳

پس از چندی بالاخره ژنرال ملکم به تقاضای سفیر ایران توجه نموده و باعث شد که شرکت هند شرقی دوباره او را به ایران بفرستد. البته نباید فراموش کرد که در این مورد رابطه خوب ملکم با حکمران کل هند یعنی لرد مینتو Lord Minto بی تاثیر نبوده است.^۴

ولی بنظر میرسد که شرکت هند شرقی باز هم در اجرای این کار

۲- تاریخ سفارت ج ۲ ص ۱۸ / Rawlinson, p. 14

3— Rawlinson, pp. 15-18/Fasa'i, p. 121/Gardane, p. 277/Watson, p. 157/Kaye I, p. 397/Mc Neil, p. 59 .

4— Kaye I, p. 395-8

عجله‌ای بکار نبرد چون تازه بعد از پیمان صلح تیلسیت و ورود ژنرال گاردان به تهران به این فکرافتاد و با عجله در صدد فرستادن ملکم به ایران برآمد و ملکم مدتی بعد با دریافت نامه میتو بتاریخ ۳۱ ژانویه ۱۸۰۸^۵ ماموریت یافت تا هرچه زودتر به سوی ایران حرکت نماید. جالب اینست که دولت انگلیس یازده ماه پیش از این سفیری برای ایران معین کرده بود.^۶ ملکم در ۱۷ آوریل ۱۸۰۸ هندوستان را ترک کرد.^۷ وی از طرف لرد میتو ماموریت داشت که کسب اطلاع کند که «آیا موقعیت دربار ایران یا وضع کشور انگلستان اجازه میدهد که بادشمن، درست در موقعیکه به مرز ایران نزدیک میشوند روبرو شود یا نه».

در این موقع انگلیسها بیم آن داشتند که فرانسویها از جزیره موریس قوا به ایران پیاده کنند و بسرعت یک قرارگاه ساحلی در خلیج فارس بنا نمایند. بهمین سبب هم ملکم دستور داشت هر طور شده از این نقشه جلوگیری بعمل آورد. به این دلیل ماموریت وی بیشتر جنبه نظامی داشت تا سفارت.

ملکم همراه چند کشتی و ۳۰۰ پیاده نظام و ۱۰۰ سوار و پنجاه سپاهی تربیت یافته هندی و عده‌ی زیادی خدمه که در موقع حمله غیرمنتظره بکار او بخورند و در دفاع موثر باشند براه افتاد. مسیر وی درست مانند سال ۱۷۹۹ ابتدا راه مسقط بود. وی در ۳۰ آوریل ۱۸۰۸ به مسقط وارد شد و سپس از آنجا حرکت کرد و در دهم ماه مه به بوشهر رسید. حاکم بوشهر در عرشه کشتی به پیشباز وی رفت.

5— Ibid, p. 404/Pottinger, p. 3

6— Sykes, Sir Percy: A History of Persia, London 1958, p. 306/Kaye I, p. 402

7— Kaye I, p. 413

آنگاه دوپیک انگلیسی در ۱۹ ماه مه بسوی تهران فرستاده شد^۸ ولی در شیراز جلوی آنها را گرفته اجازه ندادند بسوی تهران روانه شوند. زیرا شاه به والی فارس دستور داده بود که مذاکرات را خودش انجام دهد، ولی ملکم کوشش داشت تا هر طور شده خود بشخصه بحضور فتحعلیشاه باریابد^۹، لذا بدون فوت وقت پیامهایی برای دربار ایران فرستاد. متن پیامهای او تقریباً چنین بود^{۱۰}:

« دوستی ملت فرانسه پایه و اساسی ندارد و تعهدهای آنها نادرست و مشحون از بی وفائی است اگر اعلیحضرت امپراطور ایران بیا اجازه ورود به قلمروی خود را بدهد ما به اعلیحضرت پانصد هزار تومان هدیه میدهیم و بادشمنان او میجنگیم....»^{۱۱}

در ضمن ملکم از تهدید کردن هم خودداری نکرده و چنین پیغام داده بود که « دوستی با فرانسه باعث دشمنی انگلستان خواهد بود و چنانچه از این پیمان دوستی دست کشیده نشود انگلستان با ایران خواهد جنگید.^{۱۲} »

از طرفی ژنرال گاردان هم به شاه اطلاع داد که اگر یکنفر انگلیسی بحضور وی پذیرفته شود ایران را ترك خواهد کرد. ژنرال گاردان عکس العمل پیام تهدید آمیز خود بر دربار ایران را چنین بیان میکند:

8— Ibid, p. 410-16/Pottinger, p. 4

9— Kaye I, p. 419f./10R FR27/Arch. Etr. Perse 1808 Doc. 51 101a/Ibid Doc. 52, 104a

10— Brydges, An Account..., p. 29/Malcolm, Sir John: The political History of India from 1784-1821, London 1826, p. 415.

11— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 79, 144b/Ibid Doc. 203, 395a .

12— Brydges, p. 365f/Brydges. An Account..., p. 87.

« درباریان ایران از عواقب رد تقاضا و پیشنهادات ملکم نگران و ناراحت بنظر میرسند لذا در پاسخ من چنین گفتند که انگلیسها خلیج فارس و استان فارس را بخون و آتش خواهند کشید. از آنان پرسیدم که چهار هزار سواری که بنا بگفته وزیر، یک ماه پیش بسوی فارس و بندر بوشهر روانه شده اند کجا هستند و چه میکنند؟ آنها اقرار کردند که این تعداد به هزار نفر تقلیل داده شده است و اینکه در آن موقع شاهزاده فرمانروای فارس در وضعی نیست که بتواند با موفقیت در برابر اقدامات انگلیسها مقاومت کرده دفاع نماید. بیگلربیگ میخواست مرا مجاب کند که هدف از پذیرفتن پیک ملکم چیزی نیست جز آنکه او را سرگرم کنند تا شاه با وقت و فرصت کافی بتواند خود را برای دفاع فارس آماده نماید ...

من سخت پافشاری کردم که افزایش نیرو و قوه قهریه بدون اتلاف وقت ضرورت دارد ...»^{۱۳}

از این توصیف معلوم میشود که فتحعلیشاه میخواست است امکان مذاکره با هر دو طرف را حفظ نماید. در حقیقت وی به بوشهر نیرو فرستاده بود تا از نظر ظاهر خواسته های سفیر فرانسه را برآورده باشد ولی دستور داده بود تا قبل از آنکه پاسخ درست و روشنی در مورد حمایت ایران از پاریس نرسیده این قوا به ملکم حمله ننماید. این نیروی مسلح مسلما وظیفه و مأموریت داشت که رفتار و حرکات انگلیسها را زیر نظر بگیرد.^{۱۴} فرمانده این گروه نشان داده بود که در صورت احتیاج ملکم را مجبور خواهد کرد تا فرمان شاه را اطاعت کند، یعنی در بوشهر به انتظار بماند.

13— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 51, 101b.

14— Kaye I 420/

از قرار معلوم این فرمانده توانسته بود از کوشش ملکم برای پیاده شدن در خشکی جلوگیری نماید^{۱۵} ملکم پیشنهاد کرده بود که چنانچه وسائل حضور وی بنزد فتحعلیشاه مهیا گردد مبلغ یکصد هزار تومان به شاه و به صدر اعظم و بیگلربیگت اصفهان نیز هر یک ده هزار تومان هدیه بدهد.^{۱۶} ولی وقتی به پیشنهاد او توجهی نشد وی در ۱۲ ژوئیه ۱۸۰۸ با کشتی حرکت کرد،^{۱۷} و اعلام نمود که بزودی جزیره خارک را بتصرف خود در خواهد آورد و بایک لشکر قوی مراجعت نموده و انتقام توهین بخود را خواهد گرفت.^{۱۸} ولی هنگامیکه در کنار جزیره خارک لنگر انداخت تا آب نوشیدنی بگیرد،^{۱۹} ماموران ایرانی او را راه نداده و در نتیجه کار به تیراندازی نیز کشید.^{۲۰}

وقایع کابله مدینه منوره

به این ترتیب این نمایندگی کاملاً با عدم موفقیت مواجه گردید.

این شکست از طرفی بخاطر اوضاع سیاسی وقت بود، یعنی شاه هنوز روی اجرای قرارداد اتحاد از طرف فرانسه حساب میکرد و از

15— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 59 111a/Ibid Doc. 79 144b/Ibid Doc. 131 252a/

16— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 59 111a.

17— Kaye I 422

18— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 88 157ab/Ibid Doc. 116, 214./Siassi 62/ Rawlinson 21ff.

19— Kaye I 422

20— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 88 157a/Kaye I 423

ملکم در این مور چیزی نگفته است فقط در باره گفتگوی خود با یکی از کارمندان شیخ بوشهر بمنظور تحویل آب مطالبی نوشته است.

طرف دیگر مربوط به رفتار ملکم که شاه را تهدید کرده بود تا روابطی را باقرانسه قطع نماید.

بنا بر نوشته ملکم، شکست و عدم موفقیت وی در این ماموریت، فقط بسبب ورود سرهارفورد جونس بریجس بوده است.^{۲۱} ولی این ادعا کاملاً خلاف واقع میباشد، چون وی مدت دوماه بود که در بوشهر لنگر انداخته و نتوانسته بود موفقیتی بدست آورد.^{۲۲}

سفارت سرهارفورد جونس

به اصرار و کوشش وزیر خارجه انگلیس لرد هویک Howick دولت انگلیس تصمیم گرفت تا یک هیئت سفارت بدر بار ایران بفرستد. در ماه فوریه ۱۸۰۷ سرهارفورد جونس^{۲۳} Sir Harford Jones Brydges که سابقاً در بغداد مقیم بود، بعنوان سفیر انگلیس در دربار ایران منصوب گردید. سفیر نامبرده بلافاصله جیمز موریه James Morier را که پدرش در کنستانتینوپل (قسطنطنیه) سرکنسول بوده و در اسمیرنا هم تجارت میکرد بعنوان منشی مخصوص خود تعیین کرد و هیئت مزبور در ۲۷ اکتبر ۱۸۰۷ انگلستان را ترک کردند و وقتی بعد از تقریباً شش ماه، یعنی در ۲۶ آوریل سال ۱۸۰۸، به بمبئی وارد شدند، ژنرال ملکم بسوی خلیج فارس حرکت کرده بود.^{۲۴}

اختلاف عقیده سیاسی که بین شرکت هند شرقی و وزارت امور خارجه انگلیس وجود داشت با انتخاب یک سفیر دیگر در همان زمان بوسیله لرد مینتو بخوبی آشکار میگردد. جونس تصمیم گرفت تا رسیدن خبر

21— Malcolm: The political History of India..., p. 414

22— Morier XVI/Kaye I 417ff./Rawlinson 21

۲۳- وی پیش از عزیمت بدریافت لقب و عنوان مفتخر شده بود رک |

Brydges: An Account..., p. 12

24 Ibid 3ff./Morier XVI

از ملکم در بمبئی به انتظار بماند. لرد مینتو در نامه‌ای که به جونس مینویسد به این موضوع اشاره میکند که رفتار وی، یعنی انتظار کشیدن در بمبئی را، تقدیر میکند زیرا حضور دوسفیر انگلیس در یک زمان در ایران «فقط به دولت ایران اختلاف بین مقامات انگلیس را نشان میدهد...»^{۲۵}

ولی لرد مینتو برخلاف نوشته‌ی خود شخصاً توجهی به پسندیدگی این رفتار نکرده و ملکم را چند ماه بعد یعنی در موقعیکه جونس در دربار شاه ایران بود، بعنوان سفیر بتهران فرستاد. مدتی بعد یعنی در ۱۲ اوت ۱۸۰۸ لرد مینتو که از عدم موفقیت ملکم اطلاع حاصل کرده بود به جونس نوشت که «قرنطینه دیپلوماسی او» خاتمه یافته است. ۲۶ شش روز بعد از دریافت این خبر در ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۸ هیئت سفارت بسوی ایران بحرکت درآمد. ۲۷ ولی قبلاً چند نفر از اعضاء شرکت هند شرقی را که کاملاً مطیع و خدمتگزار باین شرکت بودند به همراهی وی منصوب کرده بودند. این عده در ۱۴ اکتبر به بوشهر رسیدند. ۲۸ ملکم در مورد ارسال این هیئت مینویسد «امور سفارت بدون هیچ مشکلی پیش میرفت زیرا فرانسویها نتوانستند به وعده‌های خود وفا کنند و دولت ایران از تهیه مقدمات جنگ در هندوستان نگران بود و علت دیگرش پول پرستی درباریان ایران میباشد.» بسبب دلائل فوق جونس میتواند فوراً پس از ورود خود قرار دادی با ایران منعقد کند. ۲۹ مسلم است که در اینجا ملکم عمداً و علناً وبخاطر سر شکستگی از عدم موفقیت خود دست

نامه مورخ ۲۳، ۲۲، ۱۸۰۸، ۸، در 10R FR27 — 25

خورموجی ص ۱۴ / Kaye I 144/Brydges: An Account., p. 18f. — 26

۲۷ — لیست اعضاء سفارت در کتاب گاردان نقل شده است راجه Gardane 289f.

تاریخ سفارت ص ۴۰ / 20. / Morier VIII, 1f., 10/Brydges: An Account... — 28

29 — Malcolm: Political History... 415

بنوشتن چنین مطالبی میزند که حقیقت ندارد زیرا وی از تمام جریانات سفارت بدون شك اطلاع داشته است چون همانطور که گفته شد شرکت هند شرقی عمداً چند نفر مأمور خود را همراه جونس کرده بود تا همه جریانات را گزارش نمایند. جونس ناچار شده بود که مدت دو ماه در بوشهر توقف کند تا اجازه حرکت بسوی تهران را دریافت نماید. وی نمایندگانی هم به تهران فرستاد تا ورود او را اطلاع دهند. نمایندگان مزبور اظهار داشتند که سفیر مخصوص پادشاه انگلستان به ایران وارد شده است تا دوستی قدیمی میان دو کشور را تأیید و تثبیت نماید.^{۳۰} جونس در ۱۷ دسامبر - یعنی قبل از خاتمه مهلتی که ژنرال گاردان خواسته بود اجازه حرکت دریافت کرده بود. این امر یعنی اجازه حرکت وی نه تنها به کم شدن اعتماد و اطمینان فتحعلیشاه نسبت به فرانسویان مربوط میشد بلکه بیشتر به دخالت میرزا بزرگ بفتح جونس بستگی داشت.^{۳۱} رفتار میرزا بزرگ از سوئی دوراندیشی سیاسی او را آشکار مینماید چون وی بعکس صدراعظم از نزدیکی و دوستی با فرانسویان بیم داشت و احتمال میداد که بضرر ایران تمام شود و بهمین سبب کوشش نمود تا وزیر طرفدار فرانسویان یعنی میرزا شفیع را وادار کند تا از فتحعلیشاه اجازه ورود هارفورد جونس را دریافت نماید و بهمین سبب خطرات سیاست يك جانبه را بادلائل زیاد برای وی روشن نمود.^{۳۲} از سوی دیگر این امر مربوط میشد به رابطه شخصی طویل المدتی که میرزا بزرگ با جونس داشت.

جونس سقوط دودمان زندیه را در شیراز تاحدی بچشم دیده

30— Morier 69, 29.

31— Brydges: An Account... 31f., 42/ تاریخ سفارت ج ۲ ص ۴۲

32— Brydges 338

بود و بدینوسیله بامیرزا محمد حسین فراهانی، وزیر^{۳۳} چندتن از شاهزادگان این خانواده سلطنتی و عموی میرزا بزرگ رابطه دوستی داشت. جونس از سالهای آخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم توسط نامه‌هایی بامیرزا بزرگ تماس داشت.^{۳۴} در ۲۵ نوامبر ۱۸۰۸ جونس به وزیر حاکم فارس در نامه‌ای اطمینان داد که وی تمام وعده‌هایی را که ملکم داده است عملی میکند و به ایران برای جنگ با روسیه اسلحه خواهد فرستاد.^{۳۵} جونس پس از ورود به شیراز در اول ژانویه ۱۸۰۹ مورد استقبال حسینعلی میرزا فرمانفرما قرار گرفت.^{۳۶}

در آنجا بود که جونس نامه‌ی محرمانه^{۳۷} میرزا بزرگ را دریافت کرد. این نامه ضمن مطالب خود حاوی گزارشی بدین شرح بود: «... فرانسویان در تهران هرچه از دستشان برمیاید انجام میدهند. تا تو بتهران نرسی، اما تو خواهی آمد. میرزا شفیع مسلما

۳۳- روشن ضمیر، مهدی Die Zand-Dynastie, S. 104-7

۳۴- یکی از دلایل مهم در مورد این رابطه دوستانه نامه‌ی میرزا بزرگ به جونس است که در ماه ژوئن ۱۷۹۹ بدست اورسیده است. 10R FR23 223a و همچنین 10R FR23 199ab در این نامه که بتاريخ ۱۸ فوریه ۱۷۹۹ میباشد جونس، به هنگام سفارت مهدی علی خان سفیر ایران، نامه‌ای به میرزا بزرگ نوشته و او را با جریانات سیاسی تازه در اروپا آشنا نموده است. این موضوع نیز دلیلی است بر آنکه دربار ایران آنچنانکه شایع است، در آن زمان از جزر و مدهای سیاسی اروپا بکلی بی‌خبر نبوده است. رک :

روشن ضمیر، مونیکا Iran in napoleonischer Zeit, S. 111 ff.

35—10R HS Mis. 737 Doc. 49 243a/Brydges: An Account... 43

36— Morier 99/ ۵۰ ص ۲ تاریخ سفارت ج

۳۷- درباره نامه‌های مزبور و پیغامهایی که توسط اشخاصی مانند عبدالله آقا و حاجی یوسف زرگر معروف دربار لطفعلی خان زند. رک به تاریخ سفارت ج ص ۴۴ و ۴۷

بامن صحبت نموده و مصلحت جوئی خواهد کرد و بدون من قدم
برنمیدارد...»^{۲۸}

همزمان با این حوادث در شیراز اخبار بسیار بدی نیز انتظار
سفیر را میکشید .

ژنرال ملکم از موقع عزیمت خود از بوشهر فقط يك هدف^{۲۹}
را تعقیب مینمود و آن تصرف جزیره خارك بود. بهمین سبب هم
وی در موقع اقامت خود در کلکته از نفوذ خود استفاده کرد و نظر
اشخاص مهم را برای عملی کردن نقشه خود جلب نموده بود. این
نقشه شامل هفت نکته بود که نکته ششم آن باین شرح است: « برای
داشتن يك پایگاه مستقر در خلیج فارس که بزودی مقر تجار تی و
محل نگاهداری ذخایر نظامی ما خواهد شد بایستی قدرت و نفوذ
محلی خود را بکار بریم چون بدینوسیله ما نه تنها دست سایر ملل
اروپائی را از آن منطقه کوتاه میکنیم بلکه باین کار قادر خواهیم
شد مذاکرات و عملیات نظامی را با اطمینان و افتخار تا آنجا که
آرزوی ما داریم به انجام برسانیم در حالیکه اگر این سیاست
اجرا نشود سرنوشت ما بدست سیاست ناپایدار و دائم التغییر
دربارهای ناتوان خواهد افتاد...» . باین جهت لرد مینتو و همکاران
او به ملکم اجازه دادند جزیره خارك را بازور تصرف کنند. زمانی که
ملکم در اوایل اکتبر ۱۸۰۸ با کشتی به بمبئی رسید مقدمات این

۲۸- تاریخ سفارت ۲ ص ۵۱

۲۹- ملکم در نامه ۸ جولای ۱۸۰۸ خود آرزوی غیر قابل کنترل خویش را

چنین شرح داده است :

«...What most delighted me in this picture was the figure of Charlotte
smiling graciously upon me from a window of one of the
most stately castles that my fancy had erected on the shores of Karrack
(خارك) ...» (Kaye I 425) .

جنگک فراهم گردیده بود ولی در همین موقع او را به کلکته احضار کردند.^{۴۰}

بالاخره لرد مینتو که در این مورد تیرش بسنگک خورده بود عقیده خود را در مورد مزبور چنین اظهار داشته است: «مانمیتوانیم در ایران درگیر جنگ و خصومت گردیم در حالیکه شاه انگلیس باشاه ایران در حال مذاکره و گفتگو میباشد».^{۴۱}

البته این اولین بار نبود که حکمران کل انگلیس در هندوستان يك تصمیم گرفته شده را عوض میکرد. وی در ۱۲ ماه اوت ۱۸۰۸ به جونس اجازه حرکت بسوی ایران را داده بود. دو روز بعد از ورود ملکم در ۲۲ ماه اوت جونس را از ترك بمبئی منع کرد ولی این دستور به جونس نرسید چون وی چند روز پیش بمبئی را ترك کرده بود.^{۴۲}

در اواخر اکتبر آن سال لرد مینتو دستوری صادر کرد که سفیر انگلیس ایران را ترك کند و دلیل آن گزارشی بود که ملکم از سفر خود به خلیج فارس داده بود. سه نکته اول آن کاملاً بی اهمیت است و هیچ نکته‌ی تازه‌ای ندارد ولی نکته چهارم آن مربوط میشود به آن موضوع که فتحعلیشاه در نظر دارد با سرگرم کردن انگلیسها و وقت گذرانی، فرصتی برای خود حفظ کند تا در موقعیتی بماند که بتواند با هر دو طرف مذاکره نماید. لرد مینتو در نامه‌اش چنین نوشته است: «... شاه ایران بخاطر کدورتی که از ما دارد متوجه خطر بزرگی شده و باقول و وعده‌هایی که سفیر فرانسه به وی داده است میخواهد ما را به بهانه مذاکرات، در بوشهر و یاشیراز سرگرم کند

40—Kaye I, p. 432ff.

41— Ibid 437

42— Ibid 437-438

و تنها هدف وی تلف کردن وقت است که ما را از اقدام به هرگونه عمل خصومت آمیزی که فرضاً دولت انگلیس در اندیشه آن باشد، تارسیدن قوای فرانسوی بجهت محافظت ایران علیه حمله احتمالی از طرف هندوستان بازدارد.»

در این نامه در مورد جزیره خارك اینطور نوشته شده است: «موقعیت مزبور (جزیره خارك) نیز برای مقابله با استقرار فرانسویان^{۴۳} و همچنین هر یک از جزایر یا نقاط ساحلی خلیج فارس مناسب خواهد بود.» از آن گذشته در این نامه ذکر شده است که بغداد^{۴۴} نیز بایستی در یک وضع دفاعی در مقابل حمله ایرانیه قرار بگیرد و خارك برای اتحاد با وهابی ها بسیار مناسب است و با حاکم کابل، که سفیری بنزد وی فرستاده شده است، نیز باید قرارداد^{۴۵} اتحادی بر علیه ایران بسته شود و ملکم اختیار خلیج فارس را بدست گیرد چون معلوم شده است که مذاکرات با دربار ایران کاملاً بی فایده است و غرور ملی ما را لکه دار میکند. جونس هم میبایست فوراً ایران را ترك کند و این مطلب کاملاً روشن است که هیچ مامور انگلیسی را به ایران راه نخواهند داد مگر به منظور توهین کردن به وی»^{۴۶}

ولی این ادعای پوچ و غرور آمیز لرد مینتو با رفتار و کردار ایرانیان در پذیرائی از جونس در شیراز بکلی باطل میگردد.

۴۳- خطر استقرار نیروی دریائی فرانسه در خلیج فارس واقعا هم صدق میکرد است چون در آن زمان کشتیهای فرانسوی در خلیج فارس رفت و آمد زیادی داشته اند و حتی چند بار میان آنها با کشتیهای انگلیسی کار به تیراندازی نیز کشیده شده بود.

44— 10R HS Mis 737 Doc. 62 547-580

45— Malcolm: The political History of India..., p. 421/Gardane, p. 269

46— 10R FR 26 5-21/Brydges Account..., p. 127

جونس نگذاشت کسی او را از تصمیم خود منصرف نماید و به لردمینتو اطلاع داد که از او در ایران خوب استقبال و پذیرائی شده و بنا بر این ماموریت خود را بانجام خواهد رسانید.^{۴۷}

این ماموریت در این موقع خیلی مشکل تر شده بود زیرا دولت ایران از تجهیزات جنگی در هند بی خبر نمانده بود و دربار ایران وحشت زده از تهدیدات ملکم جریان اوضاع را در هندوستان بخوبی زیر نظر گرفته بود. همزمان با تهدیدهای ملکم راجع به تصاحب و تصرف خارك، بنظر میرسد که شایعه‌ی دیگری نیز دربار ایران را سخت ناراحت کرده بود که هیچیک از منابع و ماخذ ایرانی ذکری از آن نکرده‌اند و آن شایعه این بود که میگفتند یکی از شاهزادگان خاندان زند در کشتی ملکم میباشد.^{۴۸} برای ژنرال گاردان وجود چنین شاهزاده و ارتباط آن شخص بانقشه‌های شرکت هند شرقی انگلیس يك حقیقت بود. وی در ۲۶ نوامبر ۱۸۰۸ در نامه‌ای به وزیر خارجه فرانسه چنین مینویسد: «... انگلیسها به دربار ایران اعلام کرده‌اند که اگر اعلیحضرت آنها را نپذیرد به ایران حمله خواهند کرد و یکی از اعیان کریم خان زند بنام محمد علی خان پسر علیمرادخان را بسلطنت خواهند رسانید. شایعات و دلایل مخصوصی بمن ثابت کرده است که حکومت هند انگلیس این

47— 10R FR 26, 25-33/Brydges, An Account..., p. 129

۴۸- گاردان در صفحه ۵۸ بعد مینویسد که جونس تهدید کرده بوده است که انگلیسها به ایران اعلان جنگ داده و دولت قاجار را ساقط خواهد کرد. البته دوستی و علاقه جونس به خاندان زندیه را نمیشود انکار کرد و تاریخ نامه‌ی گاردان هم با زمان توقف جونس مطابقت میکنند.

۴۹- جونس عقیده داشته است که این شاهزاده زند پسر جعفر خان زند بوده ولی جعفر خان پسر بنام محمد علی خان نداشته است. رك روشن ضمیر، مهدی: Die Zand-Dynastie, S. 97-102 این شاهزاده مسلماً یکی از بازماندگان زندیه بوده است که در هندوستان زندگی میکرده است.

شاهزاده راکه دردکن سمت نواب و فرماندهی داشته است به بمبئی احضار کرده و وسایل حرکت او را آماده نموده است»^{۵۰}

جونس به احتمال زیاد در اوایل فوریه از چنین نقشه‌ای اطلاع حاصل کرده بود. درست در این موقع بحرانی چهارپنج هزار خانوار قبیله لك که دودمان زندیه نیز از آن تیره بود، میبایست شیراز را ترك کنند، زیرا این خطر موجود بود که وقتی ژنرال ملکم بایکی از شاهزادگان آن دودمان در خلیج فارس وجود داشته باشد آنها دست به قیام بزنند. بهر حال دولت ایران لكها را گروه گروه در چندین محل پراکنده تقسیم نمود.^{۵۱}

چهار هفته بعد، یعنی در ماه مارس جونس بهمین دلیل به حکمران بمبئی چنین نوشت:

«... اینطور که معلوم است مانقشه کشیده ایم که سلسله قاجار را بنفع سلسله زندیه برکنار کنیم...» ولی از هندوستان هرگز جوابی در مورد این مسئله نیامد. شرکت هند شرقی انگلیس سکوت را بر تکذیب ترجیح میداد برای آنکه در این مورد امر کی بر علیه آنها وجود نداشته باشد تا مورد مواخذه لندن قرار گیرند. در هر حال شرکت هند شرقی محل تردیدی، در مقاصد جنگجویانه خود با فرستادن مجدد ملکم به خلیج فارس باقی نگذاشت ولی همانطور که گفته میشود، این جریانات و تهدیدها نه بمنظور سقوط دولت ایران بلکه تنها برای ترساندن و تهدید آن بود.

گفته‌های لرد مینتو نیز با کمال وضوح به این مطلب اشاره میکند و نامه ملکم از بمبئی (مورخ ۳۰ دسامبر ۱۸۰۸) نیز آخرین آثار تردید را محو میکند.

50— Arch. Etr. Perse 1805 Doc. 220 440ab.

51— 10R FR 26 149g./Brydges: An Account..., p. 168

نامه مزبور باین مضمون است « ... وظیفه من خواهد بود که در لحظه ورود به خلیج فارس جزیره خارک را تصرف کنم و اگر این منظور را نتوانم دوستانه با قراولان و مردم ساکن جزیره عملی کنم میبایست فوراً به زور این تصمیم را انجام دهم. »^{۵۲}

ولی تا آن زمان هنوز دستور حرکت وی صادر نشده بود و بعد از گذشت مدتی کوتاه ملکم مجبور شد از نقشه خود صرف نظر کند زیرا لرد میتو به او اطلاع داده بود که نقشه قشون کشی منتفی شده و دلیل آن را هم تغییر اوضاع اروپا قلمداد کرده بود.^{۵۳}

در این میان دولت ایران فرماندهان ساحلی خلیج فارس را تجهیز و مسلح کرد و خان خشت را با قوا به خارک فرستاد.^{۵۴} والی فارس نیز لشکریانی به خلیج فارس فرستاد.^{۵۵} یا این دو هزار سرباز هند شرقی انگلیس ها نمیتوانستند به سادگی نقشه خود را عملی نمایند. در این ضمن و با این وصف نقشه های جونس با وجود هدف های جنگجویانه شرکت هند شرقی پیچیده تر شد و او بزحمت توانست به والی فارس بقبولاند که کشورش خصومتی علیه ایران ندارد و نقشه ای بر ضد این کشور در کار نیست.^{۵۶} وی ناچار بود که با اصرار تمام بدین مطلب اشاره کند که او سفیر رسمی پادشاه انگلیس بوده و ملکم ماچراجوئی پیش نیست که از طرف شرکت هند شرقی به ایران اعزام شده است.^{۵۷} بهمین سبب جونس بعداً مورد سرزنش

52— 10R FR26 145/Kaye I 447ff./Brydges: An Account..., p. 169

53— 10R FR261-265/Kaye I 453ff.

54— Brydges: An Account... 137, 156/ تاریخ سفارت ج ۲ ص ۵۲

55— Morier 31

56— 10R FR 31—27/Brydges: An Account... 136, 138

57— 10R FR 26 149f./

تاریخ سفارت ج ۲ ص ۵۲

قرار گرفت که چرا باعث بدنامی شرکت هند شرقی شده است.^{۵۸} در آن حال هنوز از تصمیم مینتو خبری نرسیده بود و از طرفی چون هر روز انتظار میرفت که کشتیهای انگلیس وارد خلیج فارس شوند جونس باعث شد که والی فارس فرمانی صادر کند تا به ملکم اجازه پیاده شدن به خارک داده شود.^{۵۹} گرچه این فرمان با انصراف شرکت هند شرقی دیگر خود بخود موردی نداشت ولی صدور آن فرمان باید بحساب پشتکار و لیاقت جونس گذاشته شود.

جونس پس از برداشتن مشکلاتی، که در اثر خودسری شرکت هند شرقی، پیش پای او گذاشته شده بود، شیراز را در ۱۳ ژانویه ۱۸۰۹ ترک کرد. ده روز بعد خبری از میرزا بزرگ رسید و به وی اطمینان داد که ژنرال گاردان در حال ترک تهران است.^{۶۰} ولی فرانسویها نمیخواستند بازی را به این سادگی از دست بدهند. در ۱۲ فوریه ۱۸۰۹ باز ژنرال گاردان بحضور شاه باریافت ولی چون مهلتی که به او تا نوامبر ۱۸۰۸ داده بودند، تمام شده بود و وی نمیتوانست اخبار تازه ای از دولت خود بدهد به وی دستور^{۶۱} داده شد تا تهران را ترک کند.

در این حال شرط ها و تقاضا های سفیر انگلیس تا حدی انجام گرفت.^{۶۲} در ۱۴ فوریه جونس به تهران نقل مکان کرد.^{۶۳} و با این عمل نفوذ مستقیم فرانسه بر دربار ایران پایان یافت اما فرانسویان مدتی

58— Watson 160/Kaye I 509/ سپهر ص ۸۴

59— 10R FR 31 34f/B.rydges: An Account... 155

60— Brydges: An Account... 160/Morier 122

61— Gardane 273

62— Morier 199

63— تاریخ سفارت ج ۲ ص ۵۳ / سپهر ۲-۸۲ / هدایت ص ۴۵۵ / 368/ Brydges

در تبریز باقی ماندند و بالاخره پس از عقد يك قرارداد ابتدائی بین
 جونس و مقامات ایرانی در ۱۵ مارس ۱۸۰۹ آزمایش نیرو بین
 فرانسه و انگلیس به نتیجه رسید. این قرارداد يك موافقتنامه دوستی^{۶۴}
 بود که در آن دو دولت مساعدت و همکاری دوجانبه و مضافاً روابط
 دوستی بین تجار دو کشور را ضمانت کرده بودند. بیش از هر چیز
 این قرارداد شامل حمایت مالی از ایران در چنگ باروسیه بود و این
 کمک مالی به ایران شامل یکصد و بیست هزار تومان^{۶۵} در سال بود که
 توسط شرکت هند شرقی میبایست پرداخت گردد.^{۶۶} این قرارداد
 پایه روابط انگلیس و ایران برای سالهای متمادی شد.^{۶۷} گرچه این
 قرار داد در لندن به این صورت مورد قبول مقامات انگلیسی واقع
 نشد ولی نقشی بود روشن در اساس قراردادی که بعدها بوسیله
 اوزلی Ouseley منعقد گردید و میتوان آنرا اسکلت و زیربنای
 قرارداد نهائی ایران و انگلیس در سال ۱۸۱۴ دانست. جونس
 تنظیم این قرارداد را در مشکلترین شرایط انجام داد چون
 فرانسویها کوشش میکردند تا آخرین موفقیتهای ناپلئون در اروپا،
 یعنی فتح مادرید را به رخ دربار ایران بکشند. ژنرال گاردان هنوز
 در آوریل ۱۸۰۹، با فرستادن افسران فرانسوی، روابط خود با فتحعلیشاه
 را حفظ کرده بود.^{۶۸} و به این ترتیب آگاه شد که جونس اخراج تمام

64— Aitchison, C. U.: A Collection of Treaties, Engagements and Sanads...,
 Bd. XIII, Calcutta 1933, 52ff.

65— Sykes, p. 307

66— Fasa'i, p. 126/Malcolm: The political..., p. 416/Morier, pp. 198-203,
 212/10R FR 31 Doc. 117

67— Rawlinson 25

68— Morier 200/Gardane 292ff.

فرانسویان ، اجازه‌ی بنای پنج‌قلعه نظامی بصورت ساختمان نمایندگی بازرگانی در خلیج فارس و انتقال جزیره خارک به انگلیسها و تاسیس کنسولگریهای انگلیس در شیراز، اصفهان، یزد، قزوین و تبریز را تقاضا نموده است.^{۶۹}

جونس بالاخره موفق شد ترتیبی بدهد تا دو نفر کاردار فرانسوی سفارت، یعنی ژوانن Jouannin و دونرسیا De Nerciat که هنوز در تهران باقی مانده بودند ، شهر را ترک کنند . در ۲۴ آوریل ۱۸۰۹ موقعیکه آماده سفر شده بود ، از شاه دستور رسید که دست نگه‌دارند.^{۷۰} این تصمیم شاه ممکن است بعلت رسیدن نامه‌ی لرد مینتو ، که در آن جونس را بعنوان يك شخصیت عادی و غیر رسمی معرفی کرده و از پرداخت سفته‌های او خودداری شده بود ، بوده باشد .^{۷۱} این نامه يك روز قبل بتهران رسیده بود .^{۷۲} جونس موفق شد تا در ۲۵ آوریل با وزیرای ایران^{۷۳} مذاکره کند ولی وزیرای مزبور نمیدانستند با رفتار شرکت هند شرقی چه اقدامی کنند . آنها میگفتند : «ملکم يك روز می‌آید و دشمنی آغاز میکند بعد شما می‌آید و ما را آرام میکنید و موقعیکه شاهزاده حاکم شیراز بدستور اعلیحضرت شما را با آغوش بازمی‌پذیرد ، بما اطلاع داده میشود که فرمانده کل هند در صدد تهیه تجهیزات جنگی است تا قسمتی از کشور ما را جدا کرده و اقداماتی کند

زنگ کاخگاه مدرسه لویه لویه

69— Gardane 296f.

70— 10R FR 26 188/Brydges: An Account... 219/ ۴۵۶ هدایت ص

71— Brydges: An Account... 204

72— 10R FR 26 201-241/Brydges: An Account... 200/Morier 219/Fasa'i

سپهر ص ۸۴ / هدایت ص ۴۵۸ / 129

73— Brydges: An Account... 202f.

که اگر کشنده نباشد برای شاه خیلی گران تمام شود ، خدایا این چه رفتاری است ، مابه‌شما اطمینان داریم و حسرتان را باور میکنیم . خودتان را بجای ما بگذارید ، بخاطر داشته باشید که ما درمقابل شاه با سرهایمان التزام داده‌ایم و آنوقت شما میگوئید حاضر هستید به شاه پند بدهید که تعهدات خود را در مقابل فرانسسه زیر پا نهد . «

در ۲۵ آوریل جونس تا پاسی از شب گذشته با شاه مذاکره کرد تا اینکه وی بالاخره اخراج فرانسویها را به او وعده داد .^{۷۴} مسلماً فتحعلیشاه با این وضع اصلاً به این فکر نبود که روابط با فرانسه را بکلی برهم بزند . وی از اتحاد خود با فرانسه و بد قولی آنها درس عبرت گرفته بود و میدانست که قطع رابطه با يك طرف بنفع طرف دیگر چقدر خطرناک میتواند باشد . تاموقعیکه قرارداد با جونس در لندن بتصویب نرسیده بود ، برای شاه اصلاً راه دیگری باقی نبود جز آنکه رابطه خود را با هر دو دولت فرانسه و انگلیس حفظ کند و دلیلی نداشت که وی نتواند در این موقع بادریافت اسلحه و قوای فرانسه انگلیسها را از کشور اخراج نماید .

۷۴- همانجا ، همانجا ، همانجا

قرارداد موقتی مزبور تا تصویب رسمی آن هیچگونه اعتباری نداشت و این مطلب را فتحعلیشاه از دیپلوماسی اروپائی خوب یاد گرفته بود زیرا با يك چنین دستاویزی بود که سفیر فرانسه ، از اینکه ناپلئون منافع ایران را در صلح تیلست رعایت نکرده بود ، معذرت خواسته و رفتار ناپلئون را امری عادی جلوه داده بود .^{۷۵} در این حال موقع سفیر انگلیس با دخالت جدید لرد میتو

74— 10R FR 26 188-201.

75— Gardane 275f.

وخیم تر شده بود و گرچه شاه از محبت و مهربانی با او خودداری
نمیکرد. ^{۷۶} بالاخره تصمیم براین گرفته شد که قرار داد را فوراً
به انگلستان بفرستند و بوسیله سفیری ایرانی معلوم کنند که چه
مقامی مبلغ تعهد شده را خواهد پرداخت.

در ۲۹ آوریل ۱۸۰۹ میرزا ابوالحسن ^{۷۷} بعنوان سفیر ایران
در لندن تعیین شد. ^{۷۸}

اوایل ماه مه موریر Morier مامور جونس بم همراه میرزا
ابوالحسن فرزند میرزا محمد علی شیرازی تهران را ترك کردند.
بعد از اقامت کوتاهی در استانبول از راه اسمیرنا Smyrna و مالت
در ۲۵ نوامبر ۱۸۰۹ به بندر پلیموت رسیدند.

تارسیدن خبر از لندن کار جونس در تهران این بود که کوشش
کند تا هرچه بیشتر از نفوذ فرانسه در دربار ایران بکاهد.
و رابطه نزدیکی بین ایران و عثمانی بوجود آورد ^{۷۹} زیرا
انگلیسها که اکنون جای فرانسویان را در استانبول گرفته بودند
مثل آنها به این رابطه اهمیت میدادند.

وقتی موریر در سر راه خود به تبریز رسید با مامور فرانسه
بر خورد کرد. ^{۸۰}

فتحعلیشاه پس از رسیدن به ییلاق اوچان فرمانی صادر

هدایت ص ۴۵۸ / سپهر ص ۸۴ / Morier 219f. — 76

۷۷- برای کسب اطلاع در باره اصل و نسب وی رک

Fasa'i, S. 102 Fn. 68/Morier 220-223/

Watson, S. 163/Morier III, S. 249/Brydges: An Account..., p. 228

78— Morier VIII, p. 363/Ouseley I, p. 2

79— 10R FR 293/Ibid 323

80— Ibid 281

کرد تا فرانسوی‌هایی که هنوز در ایران باقی مانده بودند به پاریس مراجعت کنند^{۸۱} چونس که در این میان اعتباری بدست آورده بود، بدهی فرانسویان را در سپتامبر ۱۸۰۹ بمیزان پنجاه هزار پیاستر پرداخت کرد تا آنها را راهی فرانسه کند. پس از این عمل این عده در ترابوزان آگاه شدند که ناپلئون ژنرال گاردان و سایر اعضاء سفارت را تنبیه کرده است که چرا ایران را ترک نموده‌اند و فرمان داده است که تحت هر شرایط مجدداً به ایران مراجعت کنند. در ۴ دسامبر ژوانین دوباره به تبریز آمد و ادعا کرد که برای فتح‌علیشاه نامه‌هایی همراه دارد. بهمین سبب عباس میرزا سه پیشنهاد به چونس کرد ولی چون بزودی یعنی در ۸ دسامبر معلوم شد که نامه ژوانین تنها رونوشتی از نامه‌ای میباشد که شامپانی *Champagny* مدتها قبل نوشته و بدست فتح‌علیشاه رسیده بوده است، عباس میرزا دیگر اصراری در قبول پیشنهادهای خود ننمود. در اینحال که چونس هم به دروغ ژوانین پی برده بود در اخراج وی اصرار نمود و ژوانین مجبور شد در ۱۲ دسامبر ۱۸۰۹ تبریز را برای آخرین بار ترک گوید^{۸۲} ولی باز هم زحمت چونس کمتر نشد و دوباره با رفتار شرکت هند شرقی انگلیس گرفتاری‌هایی پیدا کرد زیرا لرد مینتویکبار دیگر ملکم را مامور کرده بود تا بعنوان سفیر بسوی ایران حرکت کند ولی این بار بایک ماموریت صلح‌جویانه او وظیفه داشت کمک مالی به ایران را پردازد و برای موارد مهم احتمالی نیز آماده باشد. لرد مینتو با فرستادن مجدد ملکم کوشش داشت تا مقام و موقع شرکت هند شرقی را در نظر ایرانیان دوباره بالا ببرد و بهمین سبب سعی کرد تا این هیئت سفارت را با جلال

81— Brydges: An Account... 220/Brydges 377/Fasa'i 130

۸۲— هدایت ص ۴۵۶/37/Ibid Doc. 35/FR27 Doc. 10R

و شکوه بیشتری از سفارت پادشاه انگلستان به ایران روانه کند.^{۸۳}
 لرد مینتو یکبار دیگر از جونس خواست تا ایران را ترک نموده
 کار خود را به جوکس Jukes پزشکی و اگذار نماید تا ژنرال ملکم
 به تهران برسد بعلاوه به جونس نوشته بود که «این مراتب رسماً
 با اطلاع شاه رسیده و اکیداً تقاضا شده است که باوی (جونس)
 دیگر تماسی نگیرد.»^{۸۴}

در پیرو آن صدر اعظم و وزیر دارائی ایران نامه‌ای به
 جونس نوشتند که مضمون آن چنین بود :

« دستورات حکمران کل هند از این قرار است: سفیری که از
 طرف دولت انگلیس به دربار ایران آمده است باید مطیع دستورها
 و اوامر من باشد و چون وی از دستور من^{۸۵} سرپیچی کرده است من
 او را از سمت خود خلع کرده‌ام .

ما نمی‌فهمیم این چه معنی میدهد.^{۸۶} دربار ایران^{۸۷} پیاده
 شدن ملکم به بوشهر را^{۸۸} تحمل کرد تا جائیکه وی با رقیب و دشمن
 خود در ژوئن ۱۸۱۰ در اقامتگاه تابستانی شاه باهم روبرو
 شدند.»^{۸۹}

۸۳— رک نامه مینتو به ملکم در ماه جولای ۱۸۰۹ Kaye I, p. 507-510

«I entreat you, therefore, to go and lift us to our own height and to the station that belongs to us once more.» Watson, p. 160

84— Brydgs: An Account..., p. 345, 354

85— 10R HS Mis 737 Doc. 71 900f.

۸۶— نامه حاج محمدحسین خان به جونس با تاریخ رسید ۳۱ دسامبر ۱۸۰۹

Watson 160f./10R FR 27

87— 10R HS Mis 737 Doc. 71 758, 797, 813ff.

88— Fasa'i, p. 134/Brydges: An Acc., p. 361, 354/10R HM 733 158f., 59-68/
Kaye II, p. 1ff./

89— Brydges: An Acc. p., 361

از قرار معلوم ملکم ماموریت داشت موافقتنامه بین جونس و دربار ایران را که تاکنون بسته شده بود ملغی سازد زیرا جونس این مطلب را در نامه‌ی ۱۹ ژوئن ۱۸۱۰ خود به ملکم چنین ذکر کرده است :

«باید اجازه بدهید بگویم، بنظر میرسد که هم جناب فرماندار کل و هم خود شما فراموش کرده‌اید که فقط اعلیحضرت است که میتواند عهدنامه‌ی مقدماتی تهران را تصویب یاردکند»^{۹۰}

در اینحال گرچه فتحعلیشاه ملکم را پذیرفته بود ولی وی مجبور شد بزودی ایران را ترک کند زیرا نامه‌ای از سفیر ایران در انگلیس به تهران رسید که در آن قید شده بود سرهارفورد جونس پایستی تا ورود سفیر تازه انگلیس در تهران مانده و وظایف او را بعهده بگیرد. بدینطریق جونس تا رسیدن سفیر جدید در ایران ماند و ولزلی Wellesley در نامه وزارت امور خارجه با این مضمون از او قدردانی کرد :

«من از اعلیحضرت دستور دارم بشما اطلاع دهم که مشارالیه رفتار شما را در تمام مدت تائید کرده و از زحمات شما تقدیر مینماید . . .»^{۹۱}

به اینوسیله روشن میشود که سرزنش‌های مینتو^{۹۲} به جونس مربوط به سیاست وقت نبوده بلکه بیشتر راجع به تعهدات مالی بوده است. حکمران انگلیسی هند در حقیقت هیچ حق نداشت که جونس را مورد سرزنش قرار دهد و از مخارج زیاد او در ایران انتقاد نماید چون هزینه‌های وی بالغ بر ۱۳۷۶۳۳ پوند شده بود ، درحالیکه مخارج سفر دوم و سوم ملکم بعنوان سفیر که به هیچ

90— 10R HM 733 217-226/10R FR27

۹۱- هدایت ص ۹-۶۸ / Fasa'i, p. 134

92— 10R HM733 231

93— Rawlinson. p. 26f. / نامه مورخ ۷ آوریل ۱۸۱۰

نتیجه‌ای هم نرسیده بود، تقریباً به ۲۶۲۰۰۰ پوند واعزام ملکم به خلیج فارس نیز، که جونس کم یا بیش بامذاکرات خود مانع آن شده بود،^{۹۴} برای شرکت هند شرقی انگلیس بیشتر از ۱۵۰۶۷۴۲ پوند خرج دربرداشت.^{۹۵}

از طرفی خشم و عصبانیت مدیران شرکت هند شرقی انگلیس بیشتر بدان سبب بود که شرکت ناچار بود تعهدات جونس را به دربار ایران در مورد کمک مالی انجام داده و بپردازد. جونس با پشت‌کار و مذاکرات زیاد موفق شد نفوذ فرانسه را بنفع دولت انگلیس محدود نماید.

موریه مینویسد موفقیت جونس در موقعی نصیب او شد که « . . . بجای همکاری، با عملیات خنثی‌کننده حکومت هند شرقی ورقابت سخت‌انها، که از عملیات فرانسویها شدیدتر بود، مواجه شده بود. »^{۹۶}

دربار ایران نیز از خدمات جونس قدردانی کرده با صدور فرمانی بوی اجازه داد تانسان شیروخورشید یعنی آرم دولت سلطنتی ایران را در روی مهر خود حک کند.^{۹۷}

جونس تا آخرین دقایق مأموریت خود با عباس میرزا حسن تفاهم بخصوصی داشت.^{۹۸}

94— 10R FR27

95— «...I have maintained the honor of my King, I have saved my country from committing an act of faithless aggression!»

متن بالا بخشی است از نامه جونس به مینتو (نقل از Brydges: An acc., p. 219)

نامه جونس به مینتو مورخ ۶ مه ۱۸۰۹ 27 10R FR 217/

96— Morier, p. 199

97— Brydges: The Dynasty of the Kagars, transl. London 1833, p. 368f./
Brydges: An acc., p. 446

98— 10R HM 733/10R HM 733 43/Brydges: An acc., p. 380f.

وی به خواست ولیعهد طرح يك آتش بس بین ایران و روس را ریخت که در ماه مه ۱۸۱۰ عرضه شد.^{۹۹} نامبرده در راه بازگشت به انگلیس سعی کرد تا بدستور عباس میرزا با بگلربیگک ارزروم رابطه محرمانه برقرار سازد ولی موفقیتی بدست نیاورد.^{۱۰۰}

منابع و مآخذ مورد استفاده و علامات اختصاری آنها

Arch. Etr. علامت اختصاری است برای آرشیو وزارت امور خارجه فرانسه و شماره های قید شده در آن شماره های پرونده ، اسناد و صفحه ها میباشد .
IOR علامت اختصاری است برای مدارکی که تحت عنوان India Office Records در India Office House لندن موجود میباشد . علامت پرونده ها نیز بطور اختصار ذکر شده اند . از جمله FR بجای Foreign Records و Hs Mis بجای Home Series Miscellaneous Series
و بالاخره در آخر شماره سری آمده است و گه گاهی هم شماره اسناد و شماره صفحه ذکر شده است . علامت اختصاری IOR FR 23 نه شماره صفحه داشت و نه شماره سند و بهمین سبب نگارنده برگها را تا ۵۱۲ شماره بندی کرده است . از آن ببعد هم شماره اسناد و پرونده ها را میتوان از روی تاریخ آنها پیدا کرد چون تمام آنها بترتیب جمع آوری شده اند .

Aitchison, C.U.: A Collection of Treaties, Engagements and Sanadas..., Bd. XIII, Calcutta 1933.

Brydges, Sir Harford Jones: An Account of the H. M's Mission to the Court of Persia, Riga and Leipzig 1804.

Fasa'i, Haggi Mirza Hasan : Farsname... (History of Persia under Qajar rule, transl. H. Busse, N.Y. 1972)

Gardane, Alfred de: Mission du général Gardane en Perse sous le premier empire, Paris 1907.

Kaye, John William: The Life and Correspondence of Major General Sir John Malcolm., London MDCCCVI.

99— 10R FR27

100— Brydges: An acc., p. 439f.

- Malcolm, Sir John: The political History of India from 1784-1821, London 1826.
- Mc Neill, John: Progress of Russia in the East, London 1835.
- Morier, James Justinian: A Journey through Persia, and Asia Minor to Constantinople, in the year 1808 and 1809..., London 1812
- Potttinger, Henry: Travels in Baloochistan and Sind ,Accompanied by a Geographical and Historical Account of those countries..., London 1816.
- Rawlinson, Sir Henry: England and Russia in the East, London 1875.
- Roschanzamir Mehdi: Die Zand-Dynastie, Hamburg 1970.
- Roschanzamir-Dahncke, Monika: Iran in napoleonischer Zeit 1797-1814, Hamburg 1973.
- Salomon, Felix: Die Grundzüge der auswärtigen Politik Englands vom 16. Jahrhundert bis zur Gegenwart, Berlin 1910.
- Siassi, Ali Akbar: La Perse au Contact de l'Occident, Paris 1931.
- Sykes, Sir Percy: A History of Persia, London 1958.
- Watson, R. G.: A History of Persia, London 1866.

خورموجی ، محمد جعفر : تاریخ قاجار حقایق اخبار ناصری ،
تهران ۱۳۴۴

سپهر ، میرزاتقی خان : تاسخ التواریخ ، تهران ۱۳۱۵

هدایت ، رضاقلی خان : تاریخ روضة الصفاى ناصری ،
قم ۱۳۳۹ ج ۹

تاریخ سفارت نوشته نوه (بدون ذکر نام) محمدنبی خان ج ۲۱ ،
بمبئی ۱۸۸۶